



نعمتی بالاتر از اهل بیت وجود ندارد/ ابعاد وجود نورانی حضرت زهرا(س)

محمد شجاعی گفت: هیچ نعمتی خداوند بالاتر از اهل بیت (ع) به انسان نداده است. خداوند بعد از وجود خودش و عشق خودش که اله ما است و به ما هدیه داده است، اهل بیت (ع) را به ما هدیه نموده است.

محمد شجاعی گفت: هیچ نعمتی خداوند بالاتر از اهل بیت (ع) به انسان نداده است. خداوند بعد از وجود خودش و عشق خودش که اله ما است و به ما هدیه داده است، اهل بیت (ع) را به ما هدیه نموده است.

به گزارش خبرنگار مهر، محمد شجاعی، استاد حوزه و دانشگاه شامگاه پنج شنبه ۱۹ بهمن ماه سال جاری در جلسه هفتگی معرفتی خود که در حسینیه قرائت قرآن شهر ری برگزار شد، در ادامه سلسله جلسات شناخت شخصیت حضرت زهرا (س) گفت: درباره وجود نورانی حضرت زهرا (س) به مناسبت این ایام الهی مطالبی خدمتتان عرض شد که این مطالب هر چند عنوان و موضوعیتش با حضرت زهرا (س) است اما زیر مجموعه ولایتی حضرت زهرا (س) یعنی ائمه (ع) را نیز در بر می گیرد. که در واقع سیر شرح زیارت جامعه کبیره ما ادامه می یابد که فهم این مطلب در جامعه کبیره بسیار دخیل است.

وی ادامه داد: درباره حضرت زهرا (س) روایتی از امام صادق (ع) نقل کردیم که حضرت زهرا (س) نورش حقیقتش قبل از اینکه آسمان و زمینی خلق شود، خلق شده بود. که در حقیقت حضرت یک حورا، یک حوری بهشتی انسان نما است.

شجاعی افزود: این کلمات را نسبت به حضرت زهرا (س) را خوب دقت کنید که خیلی مهم است، چون خلقت ما از نور اهل بیت (ع) است پس هر چیز را به مقام آنها اتصال می دهند در واقع حقیقت باطن ما است.

این طلبه درس خارج حوزه علمیه قم با بیان اینکه حضرت زهرا (س) دو جنبه باطنی و طبیعی دارند، گفت: حضرت یک جنبه و باطن بهشتی دارند که متصل به بهشت هستند که در حقیقت حضرت یک حقیقت بهشتی دارند که در قالب یک زن وجود دارد و یک جنبه هم اینکه الان یک بدن طبیعی و زنانه در روی زمین دارند و مثل انسان های دیگر جنبه طبیعی و زمینی دارند که به خاطر این جنبه زمینی ازدواج و زائمان می کنند، یا غذا می خورند.

وی ادامه داد: حالا حضرت زهرا (س) که قبل از خلقت آسمان و زمین وجود داشته اند پس کجا بوده و مکانشان کجا بوده است. که در همان روایت امام می فرماید حضرت زهرا (س) در یک جایگاهی در ساقه عرش بوده اند. و عرش خدا مرکز حاکمیت، مدیریت و تدبیر الهی است که حضرت آنجا بوده اند و علاوه بر جنبه بهشتی بودن جنبه عرشی هم دارند که جنبه عرشی حضرت از جنبه بهشتی بالاتر است.

شجاعی افزود: پس ما روی زمین با شخصیت و شخصیت‌هایی روبرو هستیم که در عین اتصالشان به مقام عرشی، یک ظهور مادی هم دارند و آن هم خدا در حق ما لطف کرده که آن را در زندگی و متن زندگی ما آورده و آن را به ما نشان می دهد. پس حضرت وقتی می آید پایین و به صورت انسان ظهور می کند مقام اصلی را دارد و اتصالش سر جایش است.

این استاد حوزه و دانشگاه نحوه اتصال ما با حضرت را با بیان مثالی در خصوص رابطه استاد و شاگرد پرداخت و گفت: در رابطه استاد و شاگرد وقتی استاد از مقام فوق عقلانی خودش چیزی را برای شاگرد می گوید، دارد درباره یک معرفت فوق عقلانی مثلاً الله و اهل بیت (ع) سخن می گوید برای اینکه شاگردش که در مقام پایین تر هست به نحوی بیان کند که شاگرد متوجه بشود و فهمد. لذا استاد باید از مقام فوق عقلانی به مرحله پایین تری تنزل کند و در مرحله عقلانی و مرحله خیال و فهم قرار گیرد تا آن مطلب را با قاعده و فرمول و قالب های محدود برای شاگرد بیان کند.

وی ادامه داد: پس استاد برای فهم مطلب به شاگرد باید از الفاظ و واژه هایی استفاده کند تا شاگرد بفهمد و اینجا استاد یک ماده ای را به عنوان صوت و لفظ خلق می کند تا آن مطلب فوق عقلانی را در مرحله پایین تر به شاگرد بفهماند که اینجا شاگرد در مرحله لفظ به استاد متصل می شود و استاد وقتی آن مطلب بالا را در مرحله لفظ به شاگرد می گوید از آن مقام بالا پایین آمده است اما از علم و جایگاه استاد چیزی کم نشده است بلکه فقط یک جلوه و ظهوری مادی برای فهم شاگرد داشته است و شاگرد هم برای فهم آن مطلب به این ظهور استاد نیاز دارد.

شجاعی افزود: شاگرد هم مطلب استاد را به عقل می برد و روی آن تعقل می کند و تازه می فهمد استاد چه گفته است و اگر موانع نفاسی در شاگرد نباشد از مرحله عقل آن مطلب را به مرحله فوق عقلانی می برد و آن مطلب تبدیل به هستی و نورانیت

می شود و شاگرد از مرحله دانایی به مرحله دارایی می رسد. پس وقتی شاگرد از کلاس بیرون رفت قوی تر و نورانی تر از قبل از کلاس است. اما اگر این اتفاق و نورانیت برای شاگرد نیفتد به خاطر این است که شاگرد فقط سر کلاس نشسته و هیچ ارتباطی برقرار نکرده بلکه فقط می خواسته سر کلاس باشد که بگوید من سر کلاس هستم یا اینکه شاگرد فقط آمده یک چیز را بشنود و یاد بگیرد و قصدش شهوت دانستن است اما وقتی شاگردی که سر کلاس است روح وجودش سمت همان جایی است که استاد است، و تا استاد می گوید و شاگرد می شنود، شاگرد از دانایی عبور و به سوی دارایی و احساس نورانیت می رود.

وی ادامه داد: اما اگر شاگردی پای درس این استاد آن استاد است، یا کسی کربلا و مکه می رود اما روحش جهت آن حرم مقدس نیست یا آن استاد نیست پس انگیزه های دیگر دارد. بعضی ها اینجوری هستند و هیچ اتفاقی برایشان نمی افتد و روح دلش اصلا آن طرف نیست بلکه فقط می شنوند و می روند. پس فقط آنها که طهارت دارند و واقعا آمده اند که بشنوند و لجبازی و مقاومت و سرسختی و تعلقات پایین در وجودشان نیست، وقتی سر کلاس می نشینند و استاد یک حقیقت فوق عقلانی می گویند، آنها یک نورانیت می گیرند و در هر مرحله و مرتبه نور بالا می روند.

شجاعی بیان کرد: مثلا الان من به جای اینکه از حضرت زهرا (س) حرف بزنم بیایم درباره روابط ازدواج بگویم که زن و شوهر باید چه جوری باشد، این یک جنبه زیر عقلانی و جنبه وهمی است. اما اگر کسی نورانیت داشته باشد می بیند اخلاقش خوب شد اما اگر نورانیت نداشته باشد حتی کلاس و مشاوری هم بیاید باز با زن و بچه اش بد اخلاقی دارد. چون مشکل دارد و روح دلش به آن سمت نیست و اعتقادی به درست شدن ندارد، برنامه هم می گیرد ولی به آن سمت نمی رود، تازه توقع این است بعد از این کلاس و مطالعه دیگر مشکلی با زن و بچه نداشته باشی اما فرد تغییری نکرده است.

وی ادامه داد: همیشه در قوس نزول خیرات و ریزش است و مانعی نیست اما مسئله در قوس صعود است که شخص با تجلیات الهی مثل حضرت زهرا (س)، یا پیامبر (ص) یا امام زمان (عج) روبرو می شود و درک می کند اما با آنها نمی تواند بالا برود و به پشت صحنه نمی رسد. چون بعضی اصلا قصدشان شدن هم نیست، می بیند بقیه کلاسی رفته اند او هم می رود. بعدا امام زمان (عج) هم بیاید او نمی خواهد به کلاس امام زمان برود اصلا راهی به آن باطن ندارد.

شجاعی خاطر نشان کرد: حضرت زهرا (س) و اهل بیت (ع) ما را به مقام خودشان دعوت می کنند، اما به شرطی که ما معرفت داشته باشیم و بخواهیم برویم. از طرف آن ها مانعی نیست ولی مشکل از طرف ما است که شهوات پائینی نمی گذارد برویم.

این رزمنده تخریب دوران دفاع مقدس با بیان خاطره ای از ناراحتی رزمنده ای که شهادت نصیبش نشد، اظهار کرد: از یک عملیات برگشتیم و به چادرهای گردانمان در پادگان دوکوهه رفتیم که دیدم یک نفر از بچه های عملیات شب گذشته برگشته و دارد گریه می کند، گفتم فلانی چرا گریه می کنی؟ گفت در عملیات پسر عمویم شهید شد و من گفتم که درست است که شهید شده و همه ناراحت هستند اما گریه تو اینجور نیست و معنای دیگری دارد، حقیقتش چیست؟

وی ادامه داد: وی به من گفت قبل از عملیات خواب بودم و در خواب دیدم که یک دفعه از آسمان ملائکه دست همه را می گرفتند و به آسمان می بردند و دست پسرعموی مرا هم گرفتند و پسر عموی من دست مرا هم گرفت و بالا برد، اما من یک دفعه یاد تعلقات خانواده افتادم و دستم را کشیدم و از آسمان افتادم و بیدار شدم. او رفت و من به خاطر تعلقاتم نرفتم.

شجاعی بیان کرد: همیشه رابطه ما هم با حرم ها و حضرت زهرا (س) و اهل بیت (ع) همین است. حرم هم که می رویم به خاطر بخش های پائینی می رویم، یا مشکلات خانوادگی، یا سیاسی، یا اجتماعی، یا ازدواج و یا نهایتا رفع مشکلات علمی به حرم و زیارت می روم و با آن شخص مثلا با امام رضا (ع) در حرم کار نداریم. بلکه می گوئیم امام رضا (ع) حاجت دارم، منزل می خواهم، یا زن می خواهم یا ماشین می خواهم، یا اینکه مشکل دارم برای این آمده ام.

وی ادامه داد: پس دقت کنید الان مقام حضرت زهرا (س) یک مقام عرشی است، ایشان با حفظ جایگاه عرشی و بهشتی اش خدا او را به ما هدیه داده است. ما با آدم های زیادی روبرو هستیم ولی نمی دانیم پشت صحنه آنها بهشتی و ملکوتی است یا کجایی است؟ اما تنها شخصی که مطمئن هستیم که پشت صحنه اش بهشت است، معصوم است که باطنش بهشت و مقام بالاتر از بهشت دارد. و وقتی به ظاهر این شخص نزدیک می شوید مثل رابطه استاد و شاگردی یواش یواش از این ارتباط ظاهر به باطن و بهشت و بالاتر از بهشت وارد می شوید.

شجاعی با اشاره به بخشی از زیارت جامعه کبیره گفت: خطاب به ائمه (ع) در زیارت جامعه می گوید: **لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا مَنْ لَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ وَلَا يَمُوتُ**؛ خدا ائمه (ع) را به صورت نورهایی مختلف گردا گرد عرش آفرید. حداقل ماهی یکبار جامعه را بخوانید، خدا به ما منت گذاشت ائمه (ع) را به ما داد و چه شخصیتی خدا به ما داده که وجود این ۱۴ نفر روی زمین چه نعمتی است، که اگر خدا این ۱۴ نفر را از روی زمین بردارد دنیا تاریک و پر از ظلم و فساد و غم و غصه است.

این طلبه درس خارج حوزه علمیه اهل بیت (ع) را بالاترین نعمت خدا به انسان دانست و گفت: هیچ نعمتی خداوند بالاتر از اهل بیت (ع) به انسان نداده است. خداوند بعد از وجود خودش و عشق خودش که اله ما است و به ما هدیه داده است، اهل بیت (ع) را به ما هدیه نموده است.

وی ادامه داد: کسی که روی دلش آن طرف باشد می فهمد خدا به او چه داده است، یک دل به او داده که یک معشوق جز خدا ندارد، ولی ما چون با بخش های پایینی می رویم این معشوق و اله را نمی بینیم، که یک سلسله محبوب ها که اهل بیت (ع) هستند داریم اما نمی فهمیم.

شجاعی بیان کرد: بعضی ها خیلی نق می زنند و کفران می کند که این کار خوب نیست و زشت است، خدا خیلی نعمت هایی آسمانی و بالایی به ما داده است و ما آنها را نبینیم و به خاطر ندادن چیزهای بخش های پایینی مرتب نق بزنیم و گله کنیم. فردی فقیر خدمت امام صادق می آید و می گوید وضع مالی ام خوب نیست، حضرت فرمود تو فقیر نیستی! گفت چطور؟ حضرت فرمود حاضری همه دنیا را داشته باشی ولی ما اهل بیت (ع) را نداشته باشی؟ گفت نه حاضر نیستم، حضرت فرمود پس فقیر نیستی و این خیلی است پس غور و نق برای بخش های پایینی آن همه قشنگی بالا را خراب می کند.

وی اضافه کرد: خدا لطف کرد که اهل بیت (ع) را به خاطر ما از بالا پایین آورد و یک بدن طبیعی به آنها داد تا در بین ما باشند و پیامبر (ص) با آن لطافتش آمد پایین و دارد حرف می زند. یا یک لطافتی مثل حضرت زهرا (س) را به خاطر ما به زمین آورد ولی بین در و دیوار له شد، بچه اش سقط شد و سیلی خورد.